

## مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
و یومیه (جبل المتین)

(عنوان مراسلات)

طهران خیابان لاله زار  
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی

دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی  
غیر از روزهای جمعه همه روزه  
طبع و توزیع میشود

## یومیه

## جبل المتین

۱۳۱۱

## طهران

## قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۳۰ قران  
سایر بلاد داخله ۴۵ قران  
روسیه و قفقاز ۱۰ منات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

در طهران صد دینار  
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطرى

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و درانتشار اداره آزاد است

پنج شنبه ۲۸ شوال المکرم ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۹ آذرماه جلالی ۸۲۹ و ۵ دسامبر ۱۹۰۷ میلادی

## ثروت

ثروت عمومی درازمه قدیمه عبارت بود از ثروت دولتی مثلا مینویسند ثروت اسلامی در دوره خلفاء عباس زیاد بوده است باین معنی که عایدات و واردات خزانه دولت زیاد بوده و مصارف دولت در مقابلش خیلی کمتر و سالیانه مبالغه گزافی در خزانه باقی میماند چنانکه در وقت مردن خلیفه منصور دوانقی بیسرش وصیت میکرد که (ای فرزند چندان از مال و ثروت برای تو اندوخته ام که اگر تا ده سال دیگر دیناری بتو از خارج نرسد و هیچ مالیات نگیری باز ذخیره و اندوخته من کافی تمام اخراجات تو را خواهد نمود) و بنا بر تحقیقات صحیحه علماء فن تاریخ و ثروت بعد از وفات منصور پول موجود یکه در خزانه دولت بود بالغ بهشتصد و ده مایون فرانک میگردید و ابن خلدون ایسوف مورخ معروف گوید چون عبدالرحمن اموی خلیفه بزرگ اندلس از ابن عالم بای بیرون نهاد پنج بلیون که ده هزار گروور باشد پول دینار که تقریبا معادل يك لیره باشد در خزانه دولتی موجود بود و باین اعتبار میگفتند ممالک اسلامی غنی و صاحب ثروت هستند و ثروت دولت عبارت بود از آنکه از مداخل بعد از وضع مخارج لازمیه زیاد آمده و در خزانه باقی میماند و هیچ مورخی در صدق دانستن ثروت ملت بر نمی آید و فقط کار یکه میکردند از بعضی بلاد و مزارع تهریف یا مذمت میکردند که قسطنطنیه مثلا هشتصد مسجد یا مکتب داشت و در بغداد سی هزار مثلا زرگر مشغول صنعت زرگری بودند

ولی باز معلوم نمیشد میزان ثروت ملی چه قدر است و در حقیقت هم راه کشف این مسئله هم در دست نبود زیرا که اولاً زمان استبداد مردم غالباً ثروت خود را پنهان کرده در ظاهر خود را فقیر و مفلس جلوه میدادند و ثانیاً سر شماری در کار نبود دفتر احصائیه و میزان وارد و صادر هر ملک در دست نمیآمد و در مالیات نیز طریق صحیح در دست نبود و فن کا داستر و تبدیل در کار وجود نداشت بلکه کلیه امور تجارت و قراعت و صناعت در تحت قانون فنی در نیامده مهم ملی در دوره طفولیت و رضاع بود — در زمانیکه مردم این کامه را مکرر کرده میگفتند (استر ذهبك و ذهابك و مذهبك) با کدام فوه بکنفر مورخ میتوانست حقیقت ثروت يك قطعه را معلوم نماید بمسلوه چون سلطنت و دولت متعلق بملک نبود و افراد ملت مسلوب القدره تابع محض و مطیع صرف بودند و سلطنت دیسهوتی رواج نداشت ملت و دولت دوشینتی مقضاد شمرده میشدند و در جنگ و صلح ممکن نبود ملت باختیار دیناری بدولت بهمت یا بعنوان قرض بدهد لذا مکتب و ثروت ملت در ضعف و شوکت دولت چندان مدخلیت نداشت و بدین سبب کسی در صدق تحقیق میزان ثروت ملتی بر نمیآمد ولی ایندوره که سلطنت ملی برقرار شده و هر نوع قرض از برای دولت باشد عینا بر ذمه افراد ملت تعلق میگردد چنانکه هر طفلی که در خاک فرانسه متولد شود پیش از هر چیز اول هزار فرنک قرض دولت بر گردن او تعلق میگیره از برای هر دولت همیند ثروت ملی در اولین درجه لزوم است زیرا که از برای جنگ و صلح و مخارج و معاهدات دانستن



مقدار ثروت ملت ضروری است مثلاً فرانسه بواسطه اطمینانیکه از ثروت ملت خود داشت در موقع نزاع با آلمان و تنگ شدن عرصه بر لشکر فرانسه دین ده هزار گرو فرانک را در عوض شرامت جنگ مقبل هد چرا که میدانست از برای ملت پرداختن این مبلغ نهایت آسان است ولی اگر از مکت عمومی خبر نداشت چگونه میتوانست بخاطر جمعی اقدام بصلح و اداء مبلغ گزاف را بنماید - مثال دیگر امروز آلمان میشوند فرانسه که رفیب بزرگ اوست پنج کشتی زرر بوش تدارک کرده و در مقام رقابت و حفظ مرتبه امپراطوری آلمان از برای اونیز تمیه این اندازه بلکه زیادتیر قوه بحری لازم است و مخارج آن کشتیها مثلا ده میلیون لیره است پس ناچار باید یکمالیات تازه اضافه کند یعنی این مبلغ را بر رعایا تحمیل نماید خوب در صورتیکه از بضاعت ملت مسبوق نباشد چگونه میتواند چنین مقدار کزافرا حمل کند وای اگر از بطون کار مطلع باشد فوراً تکلیف خود را میفهمد و بسر اندازه که سزاوار است و ملت تاب اداء انرا دارد تحمیل میکند اما ایران که ابداً از ثروت ملی میزانی در دست ندارد وقتی برای بانک ملی تدارک سی کرویرا لازم دید و اعلان عمومی کرد انوقت کاغف بعمل میاید که عشر این مبلغ نیز در جانی نیست مشت بساز میشود و درخت عجله نمره نومییدی و رسوائی بار میدهد ( بقیه دارد )

## ( لایحه شهری )

خدمت جناب مستطاب مدیر محترم جریده

حبل المتین دام اباله معروض میدارد

از قراریکه اطلاع داده اند مرسوم این بنده را قطع و در کمسیون مالیه ماهی یکصد تومان مجدداً برای بنده مقرر فرموده اند هیچ داخل آن خط نمیخوم که ترجیح بلا مرجح چرا و چه شده که اصلاح مخارج کزاف کمرکی که حالا پنج سال است فریاد میزنم و کسی گوش نداد بالاخره آن اصلاح منحصر به قطع مرسوم بنده و یسرم شد همین قدر عرض میکنم باقی گذاشتن ماهی یکصد تومان برای بنده در مقابل چه خدمت و برای چیست اگر باعتقاد دو سه نفر مقرض مفسد واقعا وجود بنده مهمل و بیکاره و بیمصرفی است دادن این وجه به بنده خیانت به بیت المال مسلمین و مناهای ضرفه ملت و دولت و قانون مشروطه و خلاف قانون اساسی است و اگر وجود بدرد خدمتگداری میخورد هر خدمتی که از طرف مجلس مقدس و هیئت کابینه صلاح میدانند رجوع فرمایند انوقت باقتضای آن خدمت حق بدهند در این باب بجز تصور مبارک حضرت مستطاب

حجة اسلام و المسلمین آیه الله فی الارضین آقای اقا میرزا سید محمد مجتهد طباطبائی ادام الله تعالی و خدمت جناب مستطاب اجل اکرم انعم آقای احتشام السلطنه رئیس مجلس مقدس دام قباله عرض و استدعا کرده ام که مقرر فرمایند قبل از رجوع خدمت اسم بنده از دفتر ملت خورهای بیکاره محو شود تمام زحمات و فداکاری این ملت فلک زده بی خانمان برای این بشود که عادات مخیبه استبداد به سابقه متروک گردد و اگر بنا باشد که باز مثل سابق به بنده و امثال بنده بهلاحظه اینکه فلان الدوله و بهمان الملک هستیم بی جهت پول بیت المال مسلمین را بدهند چه فرقی کرده سابقه هزار تومان بی قاعده میدادند حالا هزار تومان بی قاعده بدهند کار بی قاعده بی قاعده است در کم و زیاد چه فرق است زبر بار واجب بی جهت بدون رجوع خدمت نمیروم استدعا دارم قلم نسخ بر روی تمام مواجب موروثی بنده بکشند هر وقت مرا لایق و شایسته رجوع خدمتی دیدند و به آن خدمت مفتح شدیم تا مدتی که در آن خدمت باقی باشم البته باقتضای مقام و اهمیت آن حق خواهند داد گذشت زمان جهل و تاریکی آنوقت همه کار بی ترتیب و بی قاعده بود بنده هم جزو آن بی ترتیبی ها بودم حالا که کار باید از روی قاعده باشد بنده حاضر نیستم بدون رجوع خدمت از بیت المال مسلمانان موظف باشم

این نکته فراموش نشود که قطع مرسوم کمرکی بنده چنانچه همه مسبوقند حالا سه چهار ماه است بتصویب بلژیکی هاشد ربطی به کمسیون مالیه ندارد کمسیون مجدداً ماهی یکصد تومان بر قرار فرموده اند عرض بنده این است بدون رجوع خدمت حاضر نیستم مواجب بگیرم خواه کم یا زیاد یا مواجب موروثی یا کمرکی تفاوت ندارد ( اقل الحاج و السادات علی الحسینی )

## ( حبل المتین )

رقیمه فوق را جناب . . حاجی معز السلطان مستوفی سابق کل کمرکات ایران با اداره مرسوم فرموده و کمال السانیت و قانون دانی خود را آشکار کرده اند مطلب از این صحیحتر و حرفی ازین حسابی تر نمیشود که مواجب و پول را در عرض خدمت بدهند کار مواجب میخواهد نه شخص تنها فامیل سلطنتی حق دارند که برای شخصیت خود حقوق بگیرند مثل فامیل سلطنتی اما ناصر الملک چون وزیر مالیه و رئیس الوزراء مواجب میبرد و هر وقت وزیر نباشد حق مواجب ندارد حقوق مال وزیر است هر کسی باعد و یکی از انتیاب از دیاد خرج هدین مطالب است که هر کس چهار روز بشلی منصوب شد فوراً مواجبی برقرار کرده بود که از خلق نیز دست و پا کرده همان مواجب



غیر معلوم بود در سن شباب و جوانی در حالتیکه هزاران امیدواری بوجودش داشتیم عالم فانی را وداع و عالم علم و معارف را قرین اندوه و غم ساخت افسوس که اینبه تحصیلات بهسر رفت و نتیجه زحماتش غصه خوردن شد تا آنکه از شدت افسوس و اندوه بمرض سل مبتلی و در دروز قبل از صدمات این جهان فراغت حاصل نمود خداوند اینچوان ناکام را غریق رحمت خود فرماید و مامات را هم شعوری کرامت کند که این نوع اشخاص را قدر بدانیم و غصه مرگ نکنیم

## ( تبریک ورود )

جناب آقا میرزا آقای اصفهانی ملقب بمجاهد که از غایت اشتها مستغنی از توضیف است پس از آنکه بعنوان اصلاح بخوی و ما کو رفته و آتش مشتعل انسان را با ب تدبیر و عقل خاموش نمود و نهایت کفایت و لیاقت را بروز داد عازم طهران گردیده در غره ماه ذی القعدة وارد دارالخلافه خواهند شد منزل معزی الیه نزدیک دروازه دولت جنب خانه منتصرالدوله مقرر شده است

## ( ایضا تبریک )

بنابر دستخط همیونی و بعضی نوشتهجات معتبر دیگر که ملاحظه شد شغل واعظی مدرسه سپه سالار جدید ناصری با جناب بهاء الواعظین تفویض شده وجود ایشان را بدین منصب و شغل جلیل لایق دانسته تبریک و تمنیت میگوئیم

## ( تبریز )

بنا بر خبر تلگرافی باز در تبریز آثار انقلاب ظاهر شده گدخدای محله دوه چی را کشته اند و فعلا قراولی و محافظت شهر با فرقه مجاهدین است و شاهزاده فرمانفرما در موقعی حرج واقع شده اند تا بسد چه خیر برسد

## ( ارومیه )

مسیو رایتلا و جنرال قولسل انکیس مقیم تبریز بنا بر ماموریت از طرف دولت متبوعه خود برای تحقیقات سر حدی بارومیه و از آنجا بقریه (کنکچین) که فعلا مقر عساکر عثمانی است رفته و از سر کرده عساکر عثمانی ایضاحات در این اقدامات غیر مشروع خواسته جواب داده اند که حرکت ما از روی نقشه درویش پاشا است معلوم نمیشود نقشه جات صحیحه که باطلاح مامورین دول رسم شده چرا محل اعتنازه نیست ولیک نقشه نامربوط که درویش پاشا کشیده از کجا اینهمه اهمیت و اختیار پیدا کرده است ؟

را برقرار کرد و در سال ۱ کرده مرتبه وزیر عوض شد ده مواجب بر بودجه افزوده گردید — ولی حرف خبیلی میشود زد مرد آنستکه مثل معز السلطان در مقام فعلیت حاضر شود و از سالی هزار و دویست تومان صرف نظر کند و سر مشقی از اعمال خود بسایرین بدهد اما در خصوص شغل مکرر معزی الیه شکایت از تقلبات کمربندی کرده و همیشه آرزو میسر کرده است مقام تحقیقی دائر شده تا از معلومات چندین ساله ایشان فائده زیاد حاصل شود علت این اهمال نیز از اسرار است که احدی بر آن واقف نیست بهر حال از غیرتمندی و قانون دانی جناب معز السلطان کمال تشکر و امتنان داریم و طول عمر و توفیق خدمت ایشان را از خداوند متعال مستثقت مینمائیم

## ( وفیات الاعیان )

جناب حجة الاسلام حاجی میرزا الفخر الدین مجتهد کاشان که در عداد نمره اول علماء ایران محسوب و سال گذشته بلفه مهاجرت بقم کرده و خدمت فراوان بهالم مشروطیت نمود بنا بر خبر تلگرافی جهان فانی را وداع گفته و در جوار رحمت الهی ماوی گزید آن مرحوم رئیس سلسله جلیله نراقی و شخص اول کاشان و صاحب مفاخر و مائر زیاد بود خداوند بیازماندگان نشان صبر جمیل و اجر جزیل عنایت فرماید — از آن مرحوم سه پسر بیادگار مانده و فرزند دویم ایشان آقا میرزا شهاب فعلا در عتبات عالیات مشغول تحصیل بود البته در اینموقع معادوت و مسند پدر را خالی نخواهد گذارد و از چهار فرورب مانده روز چهارشنبه ناینجشنبه از طرف حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای آقا سید عبد الله سلمه الله تعالی در مسجد جامع دار الخلافه مجلس ختم و فاتحه منعقد است و جناب آقا میرزا احمد اخوی زاده آن مرحوم که فعلا در طهران مقیم هستند روز جمعه بیست و نهم در مرکز انجمن مقدس اتفاق طهران سر کوجه وزیر نظام طرفی خیابان کمرب از صبح تا غروب مجلس فاتحه منعقد دارند بر کاله مسلمین لازم است که در مجالس فاتحه آن مرحوم حاضر شوند که حق عظیم بر قاطبه اهل اسلام دارند و شاید در جاهای دیگر هم ختم گذاشته شود

## ( ایضا )

میرزا نصر الله خان بختیاری ناظم العلوم که در مراحل فضل و کمال و اطلاع از فنون طبیعی و ریاضه سر آمد فضلاء این مملکت محسوب و ما لها در فرهنگ عمر را صرفی تحصیل صحت ظنیه نموده و فی الحقیقه خوب تحصیل کرده و در ایران قدرش مجهول و مقامش



## خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

( سه جنبه ۲۶ سوال )

بعد از فراغت از اشتغال در کمیونیا انقاد رسمی مجلس در یک ساعت ونیم به روپ مانده شد بعد از قرائت خلاصه مذاکرات روز یکشنبه اظهار شد که بر حسب لایحه که از کمیون اداره مجلس مقدس در خصوص افتتاح مدرسه برای ایتم و تمنای وجه اعسانه از حقوق وکلاء شده بود چون امروز بعضی از وکلاء در این خصوص اظهاری نمودند — اگر بنا بر این هرکس اعانه میدهد اظهار دارد شاهزاده لسان الحکماء ماهی ده تومان و شاهزاده میسر السلطان ماهی پنجاه تومان قبول نمودند بعضی از وکلاء اجازه نطق خواسته گفته شد که باید قانون مطبوعات خوانده شود شروع قرائت قانون انطباعات شده چند ماده از آن قرائت آنچه لازمه مدافه و مناظره بود در آنها شده و تصحیحاً از نظر وکلاء گذشت ( مجلس ختم شد )

( مکتوب شهری )

( ناله را هر قدر میخواهم که پنهان بر کشم )

( سینه میگوید که من تمک آدمم فر یاد کش )

خدایا خداوند! این چه قدر بوالهوسی است وجه قدر نادانیت یا چه قدر کبر و نخوت یا مستی و غفلت مارا گرفته یا چه اندازه باید بمشتمیات نفسانی خو کنیم و یا بچه پایه از دشمنان مذلت و خواری را بر خود هموار و خردار شویم و تا چه حد دستخوش دشمنان کردیم و کوی چوکان این و آن آیا خداوند منان فطرت مارا بانک و عار سرشته و یا بل مارا از منک خاق فرموده کی نی غلط گفتیم و کج اندیشیدیم ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت حکیم علی الاطلاق بطویل وجود و اذعان و اقرار بقل کل و خاتم رسل ما ملت را نخیه دوران و سر آمد زمان فرموده و باتصانی حکمت بالله و عدل شامله فاعل مختار و ممیز زشت و زیبا داشته اگر تنبلی و کسالت و شهوت رانی و بطالت را عادت ثانیة خود و جوهر وجود کرده ایم خود کرده ایم لا غیر

پس ای ایرانیان عبور و ای وطن پرستان باشوق و هور صبح آزادی دیدید و تیر سعادت از محاق و مال در آمد تائی بحرفی خوش بوده و جوشی در کار نخواهید کرد مگر این پامال شدگان و گشتگان از دستخوش حاکم عثمانی یا ایلات خودمان کوفه جگر ما و جان فقیرین شما نیستند اگر تصور حال آنها و اسارت و ذلت آن گرفتاران بچکال سیاح را فرمائید بحق خدا شراره آسا جستن کرده و برق وار خرمن اعداء ظالمین خواهید

سوزاند و هیرصحت پوستین آن رو با ما را خواهید درید و خبث وجود دشمنان انسانیت و منکران اسلامیت را از صفحه روزگار خواهید زدود اگر پول ندارید جان خرج کنید پول را مرد پیدا کند نه پول مرد را رواج این بازار با زر ناب عبرت و حدیث امت امسوس و هزار امور که با رخسار زرد و دل بیدرد نشسته و از وطن و اسلام خدا نگرده پیوند گسته ایم یا چون محصلین صرف و نحو که عمری را در ضرب و ضرب صرف میفرمودند با کمال توجه خاطر مشغول ضرب و شتم شده مناظره و مشاجره را تفریراً و تحریراً اسباب مفاخرت قرار داده ایم

یا صاحب الزمان از آستان تومستلت و از حضرت می خواهیم که ما را از این خواب گران و بی هوشی نا کمان خلاص و از این غرقاب نفاق و شقاق باطل و فلق و اتحاد برسان تا دامن همت و مردانگی بگم و کلاه جوانمردی بر سر و شمشیر جان ستانی بدست و پای اسطبار برآورد کناره با دلی استوار و بینی راستکار روح بزرگ نیاکان خود را در این دوره جدید آشکار نموده و دوش از بار گران ثبوت و راستکاری خالصی نکنداریم امید وارم حجج اسلام مع الله المسلمین بطول بقائهم و رجال غیور و دانشمند از با نشینند تا این کینه را تکبیرند

( یارب این آتش که اندر جان ما است )

( سرد کن زان سان که کردی بر خلیل )

( محمد تقی سلطان زاده شاگرد مدرسه مبارکه نظامی )

( اعلان )

کتاب موسوم ( حکیم سوری ) از تالیف طبع و مطابقت خداوند خداوندان سخن استاد اجل ضیاء لشکر است اشتها این کتاب مستغنی از وصف و بیان است چون تمام طبایع مایل این نسخه بود قیمت سه هزار و ده شاهی قرار داده شد که ابتیاع آن سهل باشد محل فروش طهران خیابان لاله زار — اداره حبل المتین خیابان ناصریه — اداره ندای وطن

( اعلان )

جغرافیای جناب محمد رفی خان که نسخه آن کم یاب شده بود تازه بطبع رسیده در کتابفروشیهای معتبره جلدی چهار هزار دینار بفروش میرسد و تمام نسخهای جغرافیا باید بمهر دستی خودشان مضمور باشد والا غلب و ضبط وزارت معارف خواهد شد

( حسن الحسینی الکا شانی )

( طهران — مطبعه « داروس » )